



## خوانش بوم‌گرایانهٔ سروده‌های شیرکو بی‌کس

خالد یوسفی<sup>۱</sup> (نویسندهٔ مسئول)

سیداحمد پارسا<sup>۲</sup>

عرفان رجبی<sup>۳</sup>

(مقالهٔ پژوهشی)

تاریخ دریافت: ۱۱ تیر ۱۴۰۳، تاریخ پذیرش: ۷ آذر ۱۴۰۳، صص. ۸۵-۱۰۶

DOI: 10.22034/JOKL.2024.141648.1382

### چکیده

نقد بوم‌گرایی رابطهٔ انسان را با محیط زیست در آیینۀ ادبیات، واکاوی می‌کند. منتقدان بوم‌گرا آثاری را نقد می‌کنند که مسائل محیط‌زیستی در آن‌ها برجسته باشد. برجسته نشان دادن مسائل محیط‌زیستی جدا از التذاذ ادبی، بر نگرش خوانندگان هم تأثیر عمیقی می‌گذارد. پژوهش حاضر بر آن است با رویکرد بوم‌گرایانه و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا به بررسی سروده‌های شیرکو بی‌کس، شاعر معاصر کرد بپردازد و میزان گرایش شاعر به طبیعت و تأثیر و تأثرات محیط‌زیست و عواطف شاعر بر همدیگر را نمایان سازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاعر به محیط اطراف خود و طبیعت واکنش‌هایی متفاوت داشته است. بی‌کس، همپای مسائل انسانی به مسائل محیط زیستی هم توجه نشان داده است؛ طرفداری از محیط زیست و حتی نقد رفتار تبعیض‌آمیز طرفداران محیط زیست به وفور در اشعارش دیده می‌شود. وی زیست کرهٔ زمین و همهٔ زیست‌مندان آن از جمله انسان را یک کل به حساب آورده و این خود همان دید بوم‌شناسی ژرف است که در مقوله‌های عدالت زیست‌محیطی و اکوفمنیسم آثار وی برجسته‌تر شده است. بی‌کس همچنان برای برجسته نمودن مسائل انسانی از مظاهر طبیعت و محیط زیست اطراف خود در به کار بردن نمادها و استعارات بدیع به خوبی بهره برده است.

### کورتۀ

هه‌لسه‌نگاندنی ژینگه‌یی پێوهندی مرۆف له گه‌ل ژینگه له ئاوایمی وێژدها لێکنه‌داتهوه. په‌خه‌گرانی ژینگه‌یی ته‌و به‌ره‌مانه هه‌لسه‌نگینن که دۆزی ژینگه‌ییان تیندا به‌رچاو بێت. زه‌ق‌کردنه‌وه‌ی پرسه ژینگه‌یه‌کان له به‌ره‌می شاعیرانی به‌ناوبانگدا، کاریگه‌ری قوولیشی له سه‌ر تێروانینی خوته‌ردا داته‌نی. ئەم توێژینه‌وه هه‌ول دده‌ت به بۆچوونی ژینگه‌یه‌وه و به شتیوازی شیکاری ناوه‌رۆک، له به‌ره‌مه‌کانی شتیروۆ بیکه‌س، شاعیری هاوچه‌رخێ کورد، وه‌کو‌لی و راده‌ی مه‌یلی شاعیر بۆ سروشت و کاریگه‌ری و کارلێگری ژینگه و هه‌ستی شاعیر به سه‌ر یه‌کتێریدا روون‌بکاته‌وه. ناکامه‌کان دهریده‌خات پروانگه‌ی شاعیر بۆ ژینگه و سروشت کاردانه‌وه‌ی جو‌راوجۆری هه‌بووه. بیکه‌س په‌گه‌ل پرسی مرۆیی، پرسی ژینگه‌یه‌یی وروژاندووه. لایه‌نگه‌ری ژینگه و ته‌نانه‌ت په‌خه له ناکاری هه‌لاواردنی لایه‌نگه‌ری ژینگه به لێشواو له به‌ره‌مه‌کانیدا به‌دی ده‌کری. بیکه‌س گۆی زه‌وی و هه‌موو گیانه‌له‌به‌رانی، به مرۆفیشه‌وه، یه‌که‌یه‌کی گه‌ستی ده‌بینت که خۆی تێروانینیکی ژینگه‌ناسی دیاره که له پرس و به‌رباسی عه‌داله‌تی ژینگه‌یی و تێکو‌فمینیسمی به‌ره‌مه‌کانیدا به جوانی به‌رچاو ده‌کووت. بیکه‌س بۆ نواندنی پرسی مرۆیی له هینما سه‌روشتی و ژینگه‌یه‌کانی وه‌ک خوازه و هینمای ته‌رچه‌ک که‌لکی وه‌رگرتووه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. khaledyousefim@gmail.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. a.parsa@uok.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. rajabi.e.sh@gmail.com

واژگان کلیدی: محیط زیست؛ ادبیات؛ نقد بوم‌گرایی؛  
 وشه گهلی سدره‌کی: ژینگه؛ ویژه؛ رهنه‌ی ژینگه‌یی؛ شیرکو  
 بی‌کس

شیرکو بی‌کس

## ۱- مقدمه

نحوه تعامل انسان‌ها با محیطی که در آن زندگی می‌کنند خیلی متفاوت است؛ دیدگاهی با محوریت تأمین منافع انسانی به هر وسیله ممکن، معتقد است که منابع کره زمین تمام نشدنی است و انسان می‌تواند بر طبیعت، بدون دغدغه سلطه یابد. دنیای فیزیکی اطراف انسان‌ها در نتیجه چنین تعاملی، گرفتار مشکلات عدیده‌ای از قبیل گرم شدن کره زمین، افزایش آلاینده‌های محیطی، کم‌آبی و بروز خشکسالی ناشی از آن، جنگ و اثر مخرب آن بر محیط‌زیست شده است که زندگی بشر و دیگر جانداران موجود در آن را تهدید می‌کند. برای رهایی از این تهدیدات جدی، اندیشمندان این حوزه با بررسی و پژوهش در این زمینه، چاره کار را در بازنگری اندیشه انسان جست‌وجو کردند که در حوزه‌های علوم انسانی به ویژه ادبیات نمود پیدا کرده و با عنوان نقد بوم‌گرا به آن پرداخته می‌شود. در نتیجه این مطالعات، دیدگاهی بوم محور شکل گرفت که معتقد است؛ تمام موجودات بسان انسان‌ها اهمیت و ارزش دارند و بخشی از شبکه یا جامعه زیستی بزرگ‌تری هستند و حفظ منافع این جامعه بزرگ زیستی است که باید به فعالیت‌های بشر جهت دهد و منافع او را مشخص کند.

نقد بوم‌گرا<sup>۴</sup> را اولین بار «ویلیام روکرت» در سال ۱۹۷۸ به کار برد و منظورش از این اصطلاح، کاربرد بوم‌شناسی و مفاهیم آن در مطالعه ادبیات بود؛ اما «چریل گلوئفلی» با اشاره به ارتباط میان ادبیات و دنیای فیزیکی در تعریف جامع‌تری آورده بود که «نقد بوم‌گرا به ارتباط میان ادبیات و محیط زیست یا چگونگی انعکاس ارتباط انسان با محیط فیزیکی در ادبیات می‌پردازد» (Glotfelty, 1996:5). برای اینکه بخواهیم این ارتباط بین محیط‌زیست و ادبیات را واکاوی کنیم، نخست باید تعریفی از محیط زیست داشته باشیم. «محیط زیست، عبارت است از محیطی که فرایند حیات را فراگرفته و با آن برهم کنش دارد. محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و با دست انسان ساخته شده‌اند؛ تشکیل یافته است و کل فضای زیست کره زمین را فرا می‌گیرد» (سلطانی، ۱۳۷۱: ۱). پرداختن به موضوع محیط‌زیست، طبیعت و توصیف آن کم‌وبیش در شعر همه شاعران وجود دارد؛ اما در این میان، شاعرانی با دیدگاهی متفاوت به آن پرداخته‌اند و با درک مشکلات زیست محیطی با سلاح شعر کوشیده‌اند در حد توان به مقابله با این مشکلات بپردازند.

شیرکو بی‌کس (۱۹۴۰-۲۰۱۳) از شاعران آوانگارد معاصر زبان کردی به دلیل حضورش در صف مبارزان کرد، علیه صدام، از نزدیک شاهد جنایات او بود؛ از این‌رو درک ملموس و دیدگاه متنوعی از مفاهیم محیط‌زیست دارد. بی‌کس، جنایات صدام، همچون بریدن درختان، خشکاندن و بتن کردن

چشمه‌ها، بمباران‌های متعدد، عملیات نسل‌کشی انفال و بمباران شیمیایی با تخریب و قربانی کردن «۱۸۲۰۰۰ شهید، ۴۰۰۰ روستا، ۳۱۰۰ مسجد، ۱۰۰ کلیسا و بی‌شمار چشمه، رود، باغات و مزارع کشاورزی» (Bpack George, 1993: 345)، را با دوربین شعرش، به تصویر کشیده است؛ از آنجا که طبیعت و زیست بوم، مورد علاقهٔ شاعر و از بن‌مایه‌های شعری وی می‌باشد، بررسی و تحقیق در نوع نگاه این شاعر از منظر بوم‌گرایانه، اهمیت ویژه‌ای یافته و پژوهش حاضر بر آن است به روش کتابخانه‌ای و با تکنیک تحلیل محتوا به بررسی و تبیین دغدغه‌های محیط‌زیستی از منظر نقد بوم‌گرایانه در آثار شیرکو بی‌کس بپردازد.

### ۱-۱- نقد بوم‌گرا

طی چند دههٔ اخیر با پیدایش بحران‌های جدی محیط‌زیستی، روند پرداختن به مسائل محیط‌زیستی افزایش پیدا کرده است؛ تا جایی که بحران محیط زیست، در صدر دغدغه‌ها و نگرانی‌های بشر قرار گرفته است. بشر تا چندی پیش به خطرهای ناشی از بلایای طبیعی و موانعی که طبیعت بر سر راه آسایش، راحتی و لذت او قرار می‌داد، می‌اندیشید؛ اما اکنون تباهی‌ها و خطراتی که خود او با پیشرفت تکنولوژی و استفاده بی‌رویه از طبیعت به وجود آورده است؛ نیز او را به شکلی جدی تهدید می‌کند. اندیشمندان چارهٔ این معضل را بازنگری در اندیشهٔ انسان و استفاده از علوم انسانی دانستند. «استفاده از علوم انسانی در حل معضلات و مشکلاتی که ریشه در علوم تجربی و تکنولوژی دارند، تازگی‌ها در غرب مطرح شده، و زمینه ایجاد مطالعات میان رشته‌ای را در دانشگاه‌ها فراهم کرده است که از آن جمله می‌توان به نقد بوم‌گرا اشاره کرد» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۹۸).

در نقد بوم‌گرا منتقدان تلاش می‌کنند با رویکرد محیط‌زیستی به آثار ادبی بنگرند و نگاه انسان به طبیعت و چگونگی تعامل او در طول تاریخ با طبیعت پیرامون خویش را واکاوی و ارزیابی نمایند و زمینه را برای شکل‌گیری آثاری فراهم نمایند که با در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی، نگرش تازه‌ای به طبیعت عرضه کند. نقد بوم‌گرا در واقع تأثیر ادبیات و محیط زیست را بر همدیگر نمایان می‌سازد و با برجسته کردن مشکلات محیط‌زیستی اذهان جامعه را وادار به تفکر در این مورد می‌نماید و با تحریک و تأثیر بر افکار عمومی در حل این بحران می‌کوشد. یکی از باورهای نقد بوم‌گرایی که شامل بوم‌شناسی عمیق، اکوفمینیسم، بوم‌شناسی اجتماعی و عدالت محیط‌زیستی است؛ این است که «ما با دنیای اطراف خودمان رابطه‌ی تنگاتنگی داریم؛ بنابراین بر محیط پیرامون خودمان تأثیر می‌گذاریم و تعامل داریم» (Dreese, 2002: 4).

حوزهٔ مطالعهٔ نقد بوم‌گرا گسترده بوده و در پی ارزیابی متون و باورها بر اساس میزان انسجام و سودمندی آن‌ها در مقام واکنش به بحران‌های محیط‌زیستی است. «نقد بوم‌گرا مطالعه متون ادبی با توجه به تعامل بین فعالیت بشری و طیف وسیع پدیده‌های طبیعی یا غیرانسانی است که بر تجربه‌های

بشری تأثیر گذارند. شامل موضوعاتی مانند تمام حیوانات، حشرات، پرندگان، آبیان و انواع گیاهان، مناظر و چشم اندازها، محیط زیست و اقلیم و آب و هوا می‌شود» (چایلدز و فاولر، ۲۰۰۶: ۶۵ به نقل از رجیبی و قابل، ۱۳۹۵: ۲۳۳). امروزه دیدگاه‌های فلسفی متفاوتی در مورد مسائل محیط‌زیستی، به شکل زیر دسته‌بندی شده‌اند که عبارتند از:

- ۱- دیدگاه انسان محور: قائل به برتری انسان بر سایر موجودات است.
  - ۲- دیدگاه گونه محور: ارزش یکسان انسان و دیگر گونه‌ها.
  - ۳- دیدگاه اجتماع، اکولوژی محور: با قرار دادن انسان در مرتبه بالاتر یا پایین تر مخالف است؛ اما به وجود توانایی منحصر به فرد انسان‌ها برای ابداع روش‌های تولید اذعان دارد» (White, 2007:a).
- بر این اساس، در پژوهش حاضر رویکردهای شش‌گانه انسان محور، بوم محور، تعاملی، دغدغه‌های محیط‌زیستی شاعر، اکوفمیسیم و عدالت زیست محیطی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

### ۱-۲- شیرکوبی کس (۱۹۴۰-۲۰۱۳)

از شاعران برجسته‌گرد، فرزند شاعر مشهور، فایق بی‌کس بوده که در محله گوپژه شهر «سلیمانیه» در سال ۱۹۴۰ دیده به جهان گشود. اولین شعر خود را در سن هفده سالگی منتشر کرد. بی‌کس یکی از پیشگامان نوگرایی در شعر معاصر کردی است. وی «برندهٔ جایزهٔ ادبی (توخولوسکی) سوئد در سال ۱۹۸۷-۱۹۸۸ و آخذ لقب همشهری، از سوی بزرگترین انجمن مدنی فلورانس است» (تباری و پارسا، ۱۳۹۵: ۱). درون مایهٔ اشعار بی‌کس، مملو از مضامین وطن‌خواهی، عشق به طبیعت و میهن می‌باشد. بی‌کس شاعری جهانی است و اشعارش به چندین زبان زندهٔ دنیا از جمله انگلیسی، سوئدی، آلمانی، فرانسوی، ترکی، فارسی، عربی و... ترجمه شده است و آثارش در میان فارسی‌زبانان هم رواج دارد تا جایی که شاملو شاعر بزرگ ایران، شعرهایش را ترجمه و سید علی صالحی آثار ایشان را بازسازی کرده است. از ایشان ۴۵ اثر ادبی به جای مانده است.

### ۱-۳- پیشینهٔ پژوهش

از زمان پیدایش نقد بوم‌گرایی در امریکا چیزی نزدیک به دو دهه می‌گذرد و هنوز مبانی نظری آن کامل شکل نگرفته است؛ با این وجود رواج این نقد در اروپا، آسیا و استرالیا رشد چشمگیری داشته است. در ایران با نشر یک کتاب و مقالاتی اندک در این زمینه، راه برای نقد بوم‌گرایی باز شد. از جملهٔ این پژوهش‌ها می‌توان به «بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر» (پارساپور، ۱۳۹۱: ۷۷) «نقد بوم‌گرا رویکردی نو در نقد ادبی» (پارساپور، ۱۳۹۱)؛ «درآمدی بر بوم‌نقد» (ذکاوت، ۱۳۹۰: ۲۳)؛ «اکوکریتیسیم» (عمارتی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۱۹)؛ «خوانش بوم‌گرایانهٔ گلستان سعدی» (رجیبی و قابل، ۱۳۹۵: ۲۳۱)؛ «نقد بوم‌گرایانهٔ دفتر شعر از زبان برگ سرودهٔ محمدرضا شفیعی کدکنی» (بشیریان و شایان، ۱۳۹۶) اشاره کرد. با کنکاش در باب موضوع مورد نظر به مقالاتی در مورد شیرکوبی کس با

عناوین: «انعکاس اوضاع اجتماعی در اشعار شیرکو بی‌کس» از (تباری، پارسا، و گذشتی، ۱۳۹۵)؛ «شیرکو بی‌کس سفیر آشتی، آزادی و انسانیت» (پارسا، ۱۳۹۶)؛ *شناخت‌نامه شیرکو بی‌کس* (ورزنده، ۱۴۰۰)؛ برخورداریم. وسعت اشعار و شمول فکری شاعر عرصه را برای محققان بیشتر از این فراهم کرده است.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- رویکردهای نظری پژوهش

۲-۱-۱- **انسان محوری:** در این رویکرد محوریت با منافع انسان‌هاست و انسان در تقابل یا فراتر از طبیعت دیده می‌شود. نویسندگان در این رویکرد معتقدند که انسان‌ها آزادند تا منابع طبیعی و گونه‌های جانوری را برای مقاصد خود بهره‌برداری کنند. در نظر بی‌کس مسائل انسانی بر همه چیز اولویت دارد و او همه چیز را از این منظر می‌بیند؛ اگرچه طبیعت را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کند و همیشه آن را مثل یک مسأله انسانی می‌بیند. شیرکو طبیعت را مهم می‌شمارد و به آن اهمیت می‌دهد؛ البته این مسائل زمانی اهمیت پیدا می‌کند که انسان و آزادی وجود داشته‌باشد.

که مرؤف نه‌بوو، گول چیه/ چه‌نده جوان بی و / چه‌ند بوئخو شیش! / که ژن نه‌بوو ژیان چیه / با هزار سالیش من بژیم / که مال موسیقای تیا نه‌بوو / نیترا گوی بوئیه بی / که شیعی ناخ نه‌بوئی / له ناو زهینا / چرای خوی دانه گرسینی / و ناو به ناو داتنه‌چله کینی / تو پیم نالی بو بنووسرت؟ / که نازادیش نه‌بوو نیترا / گول یه‌عنی چی و / ژن و موسیقا یه‌عنی چی / شیعی چیه و / ژیان خوی چی؟ (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۲۷۵).

\* اگر انسانی نباشد گل چه باشد / هر چقدر هم زیبا باشد / هر چقدر هم خوش‌بو باشد / اگر زنی هم نباشد زندگی چیست / اگرچه هزار هزار سال، من زیست کنم / اگر منزل، موسیقی نداشته باشد / دیگر گوش‌ها برای چیست / اگر شعر درون را تحریک نکند / و شعله‌هایش در ذهن، روشنی‌بخش نباشند / و گه گاهی بیدارت نکند / دیگر چرا نوشته شود شعر؟ / اگر آزادی نباشد / دیگر گل و زن و موسیقی یعنی چه / شعر چیست و / زندگی، چه معنی دارد؟ (E بی‌کس، ۱۳۹۴: ۲۷۵).

۲-۱-۲- **بوم محوری:** این دیدگاه معتقد است تمام موجودات بسان انسان‌ها اهمیت و ارزش دارند و بخشی از شبکه یا جامعه زیستی بزرگ‌تری هستند و حفظ منافع این جامعه بزرگ زیستی است که باید به فعالیت‌های بشر جهت دهد و منافع او را مشخص کند. از این منظر نویسندگان در پی هویتی مستقل برای طبیعت هستند که نباید بر آن مسلط بود. در جامعه‌ای که اهمیت زیست بوم کمتر مورد توجه افراد باشد و منافع فردی و انسان‌ها بیشتر از همه دنبال شود سخن از ارزش ذاتی محیط زیست ممکن است دشمنانی داشته‌باشد. گاه افراد و گاه شرکت‌ها و حتی دولت‌ها به مقابله برمی‌خیزند و فقط منافع خود را می‌بینند. بی‌کس کسانی را به باد انتقاد می‌گیرد که به محیط زیست خود ظلم می‌کند و

بر زن‌ها ظلم روا می‌دارند و اگر کسی به طرفداری از این مظلومیت‌ها حرفی بزند، عَلم دشمنی با او را برمی‌دارند.

من له‌سه‌ر دلّی بولبولی / تووتر کئی بوو به‌نهی‌ارم / من له‌سه‌ر لقی دره‌ختی / ته‌وری هاته‌سه‌ر نزارم / له‌دواییشدا من له‌سه‌ر نازادی ژنی / هه‌رچی خیلّی چه‌قۆ هه‌یه / په‌لاماری شی‌عریان دام و / له‌و رۆژوه / دوو کولّی ناو میژوو‌یه‌کی / تار و مارم (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

\* هوادار صدای بلبلی شدم / تمشکی با من دشمن شد / من با درختی دوست شدم / تبری به‌جنگم آمد / و در آخر بر سر آزادی زن / قبیله‌ چاقو همه / به‌شعر من حمله‌ بردند / از همان روز / من دود یک تاریخ تاریک و دورم (E بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

۳-۱-۲- **رویکرد تعاملی:** شیوه‌ای است که بیشتر به ارتباط متقابل و لذت‌بخش انسان با طبیعت می‌اندیشد و به وحدت انسان و طبیعت توجه دارد. طرفداران این دیدگاه معتقدند در جهان هستی نه انسان بر طبیعت گیاهی و جانوری سلطه دارد و نه طبیعت انسان را مقهور خویش کرده است؛ بلکه وحدت انسان و طبیعت، آرامش و سلامت را به دنیای طبیعی باز می‌گرداند که می‌توان در آن هم احساس آرامش کرد و هم از مظاهر طبیعت لذت برد. در این رویکرد، شاعر در پدیده‌ی طبیعت محو و خلاصه می‌شود. اینجاست که بی‌کس خود را طبیعت می‌داند و از زبان اوست سخن می‌گوید و برای خود هویتی خارج از طبیعت نمی‌شناسد.

من نیوه‌ی له‌شم دره‌خته و / نیوه‌که‌ی ترم که‌ناره / بۆیه که شی‌عر نه‌نووسم / نیوه‌ی وشه‌م باخی سیوه و / نیوه‌که‌ی ترم ر‌ووباره (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۴۰).

\* نصف بدنم درخت و آن نصف دیگرم ساحل / از این رو در شعرهایم / نصفی از واژگان سیب‌اند / و نصفه‌ دیگر رودند (B بی‌کس، ۱۳۹۴: ۴۰).

#### ۴-۱-۲- **ایدئولوژی و دغدغه‌های محیط‌زیستی**

از طریق توصیف طبیعت، جامعه، وطن، دین و اعتقادات شاعر در خلال مشاهدات او از طبیعت به صورت‌های متنوعی نمایان می‌شود. مجموعه‌ای از اصولی که شاعر به عنوان اخلاق محیط‌زیستی به آن پایبند است، به انحای گوناگون در جای‌جای اشعارش مشهود است. از آنجایی که اخلاق زیست‌محیطی ایجاد اصولی است که بر روابط انسان با طبیعت حاکم است یعنی مسئولیت‌های انسان برای ممانعت از آسیب، حفاظت از آسیب و پیشبرد فعالانه‌ی خیر و مصلحت در برابر طبیعت انجام می‌دهند. مقابله با تخریب محیط‌زیست که توسط افراد، شرکت‌ها و حتی دولت‌ها صورت می‌گیرد؛ از نظر بوم‌گرایان امری حیاتی است. بی‌کس در شعر زیر بر همین اساس، منافع فردی را رها کرده و در فکر حفاظت از محیط‌زیست است.

بُوَ تَهْوَى فَرِيَاى بَكه‌وم / تَهْو دُووِيشكَه / بهو مندالَه بچووكه‌وه نه‌دات / وازم له كه مانچه ليدان هينا و رامکرد! بُو تَهْوَى فَرِيَاى بَكه‌وم / تَهْو ژنه خَوَى نه‌سووتينى / وينه كيشانم وينل كرد و من هه‌رامکرد / له‌بهر تَهْوَى ناگام لييوو / تَهْو مامزه تهنها دوو هه‌نگاوى ماوه / ته‌له ببيگرى / وازم له سهير كردنى / ديمه‌نى جوانى به‌رده‌مم هينا و رامکرد / له‌بهر تَهْوَى گويم له ده‌نگى / گريانى ژوورينكى برسى / كوْلاَنه كهى تَهْو ديومان بوو / تَهْم شيعرهم بُو ته‌واو نه‌كرا و / به خَوَم و يه‌ك شووشه شير و / تَهْم رَه‌شنووسه و دوو نانه‌وه / به‌ره‌وه تَهْو كوْلاَنه رامکرد! (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۲۶۰).

\* به خاطر اينكه عقب‌ب‌آن كودك را نيش نزنـد / نواختن كمانچه را رها كرده و دويدم / براى اينكه نگذارم / آن زن خود را بسوزاند / نقاشى را رها كرده و دويدم / براى اينكه مى‌ديدم / آهو تا افتادن در دام / يكي دو گام / بيشتر بردارد مى‌ميرد / نگاه كردن به چشم‌انداز زيبا را رها كرده و دويدم / به اين دليل كه گريهٔ يك اتاق گرسنه را مى‌شنيدم / نوشتن اين شعرم هم ناتمام ماند (E بی‌کس، ۱۳۹۴: ۲۶۰).

بی‌کس مستقیماً از زبان یک درخت به انسان‌ها به عنوان برادر و همسان با درخت‌ها می‌خواهد که به آن‌ها توجه نشان دهند و زندگی را از آن‌ها نگیرند و از تخریب دست بردارند.

برای مرؤف منى دره‌خت هه‌تاکوو تَه‌مرم / به‌رى خَوْشى و به‌ختيارى بُو تَيَّوه تَه‌گرم / ... / قه‌له‌مى بير، گالوکى شوان، ميّزى خوئندنم / بُو شه‌وگارى پشوودانت ته‌ختى نووستنم / نزاى منيش، پارانه‌وى رَوو له تَيَّوه نان / هه‌ر تَه‌ويه هه‌ليمه‌برن بَوم ده‌ستى تاوان / مه‌بيرنه‌وه، چَل و لق و پَؤم مه‌شکينن / تو خوا تَه‌گه‌ر گه‌شه‌ى ژينم لى‌بشيونن (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۹۳).

\* اى انسان اى برادرم / من درخت / تا مُردنم / ثمرهٔ سعادت و خوشى برايتان دارم / از قلم اندیشه‌ها / تا چوبدستى چوپانان / ميزه‌هاى مطالعه و مبلمان / و...و...و / درخواستى دارم از شما / شاخ و برگ دستانم را خرد نکنيد / تمنا دارم اى انسان! اميد به زنده ماندنم را نگيريد (B بی‌کس، ۱۳۹۴: ۹۳).

### ۵-۱-۲- نمود مظاهر طبيعت و توصيف آن:

- طبيعت‌گرایی (نمود مناظر طبيعى چون آب، درخت و...)
- فصول و گردش ايام (شب، روز، فصل‌ها)
- نمود حيوانات و جانداران (گونه‌هاى مختلف جانورى)
- نمود گياهان و درختان (گونه‌هاى مختلف گياهى)
- توصيه به حفاظت از محيط زيست

### ۵-۱-۲- طبيعت‌گرایی

طبيعت در معنایی که مورد نظر ماست، شامل تمام مخلوقات آفریدگار می‌شود که انسان در پدید آمدن آن‌ها نقشی نداشته و بدون دخالت انسان به وجود آمده باشند. انسان در هیچ دوره و زمانه‌ای نه

از طبیعت بی‌نیاز و نه به آن بی‌توجه بوده است. انسان‌ها هر روز به رازی از رازهای طبیعت پی‌برده‌اند و این چنین است که طبیعت را در آیین شعر و هنر همه دوره‌ها می‌بینیم.

یکی از هویت‌های شعر شیرکو بعد از آزادی و زن، طبیعت است. «(زندگی، طبیعت و شعر) سه عامل مهم و رکن رکین شعر بی‌کس است. یکی از مضامین و درون‌مایه‌های بی‌کس عشقی است که منشوری از زن و میهن است و با سادگی و طبیعت چنان آمیخته است که حیات هر یک بی‌دیگری ممکن نیست» (ورزنده و وفایی، ۱۳۹۴: ۱۷۷). طبیعت‌دوستی و طبیعت‌گرایی در شعر بی‌کس در قالب یک طرح بزرگ‌تر به نام انسان‌دوستی جای می‌گیرد. وی در راستای حرمت انسانی به وطن، خاک و آب عشق می‌ورزد، به طبیعت عشق می‌ورزد و حتی با آن‌ها هم‌سخن و هم‌سطح می‌شود. می‌توان گفت «هر آنچه در طبیعت و مکان هست در شعر او جان می‌گیرد» (حیدری و دیگران، ۱۴۰۱: ۲). بی‌گمان یکی از درون‌مایه‌های شعر بی‌کس طبیعت و محیط‌زیست است.

بی‌کس یکی از انگیزه‌های سرودن شعر را همان توجه به محیط‌زیست و طبیعت معرفی می‌کند. درون‌مایه‌من له‌بهر چه‌ئه‌نوسم؟ / نازانم رهنه‌گه هندی جار / تهنه‌له بهر وه‌رهبون بیت! / یا خود له‌بهر خوشه‌ویستی شتیک / یان بو‌ئه‌ودی که تهنایی جیمه‌هیلا / شمشالیکه و تهنه بو خۆمی لی‌ئه‌دهم / ته شی‌هه له‌بهر ته‌وه بی / دل‌ی یه‌کیکی تر خوش‌که‌م / یان بو‌ئه‌ودی / گه‌لایه‌ک و میرووله‌یه‌ک و کانیه‌ک / له یاد نه‌که‌م / ته‌شی بو‌خۆم بروام وای / مرو‌فایه‌تی پیم ته‌لی که بنوسم / یا خود سرووشت هانم ته‌دا / ناگام لی بی / یان بو‌ئه‌ودی که نازادی جی نه‌هیلم / له وانه‌یه چاوی ژنیک / یان خه‌میکی پیم بنوسی / یان برینی قوربانیه‌ک / یان زهرده خه‌نه‌ی مندالی / یان خود له ترسی مردن بیت / من نازانم (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

\* به چه خاطر می‌نویسم / نمی‌دانم، ممکن است، در بعضی اوقات / تنها به خاطر تشویش / یا دوست داشتن چیزی / یا برای اینکه تنهایی، تنهایی نگذارد / نی‌لبکی است که برای دل خودم می‌نوازم / یا برای شادی دل دیگری باشد شاید / یا برای اینکه یاد من بماند برگی، مورچه‌ای، چشمه‌ای / یا انسان بودن وادارم می‌کند قلم بردارم / یا اینکه طبیعت مرا سوق می‌دهد / که نگهبان وی باشم / یا برای این است که من، آزادی را جا نگذارم / چشم‌های زنی زیبا / یا نگرانی‌های او / زخم‌های یک قربانی / یا لبخندهای کودکی / یا از ترس مردن باشد / که می‌نویسم (G بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

در مواجهه با شعر شیرکو، اولین چیزی که توجه مخاطب را جلب می‌کند، طبیعت و عناصر زنده آن است. در شعر شیرکو، طبیعت جایگاه ویژه‌ای دارد و دست‌نخورده و پویا است، توأم با اسطوره و نماد. او می‌کوشد تعریف تازه‌تری از طبیعت ارائه دهد و خودش بر این باور بود که با حذف طبیعت از



شعرهایش، چیزی جز یک مشت کلمه باقی نمی‌ماند. «عشق، سیاست، مرگ‌اندیشی، طبیعت‌گرایی و... همه این مضامین، با نگاهی انسانی و دردمندانه در بستر طبیعی شاعرانه، در شعر شیرکو نمود پیدا می‌کنند» (شیری، ۱۳۸۰: ۸). از نظر شیرکو انسان، زاده طبیعت است. همه خوشی‌ها و ناراحتی‌ها و دردهایش، آرزوها و امیدهایش در طبیعت به وقوع می‌پیوندد.

بختیار علی، رمان‌نویس نامدار کردستان، می‌گوید: «طبیعت نزد گوران شاعر خود طبیعت است با همه زیبایی‌های خیره‌کننده‌اش؛ اما نزد شیرکو بی‌کس علاوه بر این، رنگ دیگری می‌گیرد، طبیعت نزد شیرکو با مفاهیم انسانی ترکیب شده است و شیرکو از این طریق نقش دیگری برای آن خلق کرده است. در واقع انسانی کردن طبیعت (اگر این نام شایسته باشد) گستره فراوانی از شعر بی‌کس را دربر گرفته است» (سلیوه، ۲۰۰۹: ۲۸۱).

شیرکو بی‌کس روند طبیعت‌گرایی را قبل از مولوی کردی در ادبیات کردی یتیم می‌نامد (C بی‌کس، ۱۳۹۴: ۷۰). مناظر طبیعی در سروده‌های بی‌کس نمودی کاملاً فراوان و متنوع یافته است؛ اما همه چیز در شعر بی‌کس اولویت بندی شده است؛ اومانیزم و انسان‌مداری در شعر بی‌کس هیچ‌گاه در تقابل با بوم‌گرایی نیست؛ برعکس همیشه در کنار مسائل انسانی مباحث طبیعی، محیط زیستی و بوم‌گرایانه را پایه‌پای هم مطرح می‌کند و خط بطلانی بر این نظر می‌کشد که انسان‌مداری در تقابل با بوم‌گرایی است.

شیر به‌رزه، شاخ پیروزه / سروشت جوانه / به‌لام له شیر به‌رتر / له شاخ و کیویش پیروزتر / له سروشتیش گه‌لی جواتتر / قوربانییه کانی ئینسانه (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۷).

\* شعر پر ارج و کوه مقدس است / طبیعت زیباست / اما از شعر و کوه با ارزش‌تر / از طبیعت با صفاتر و زیباتر / قربانی‌های انسان است (D بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۷).

## ۲-۵-۱-۲- آب

وفور آب در اشعار بی‌کس با معانی گوناگون و با رنگ‌ها و شکل‌های مختلف بی‌نظیر است. بی‌کس سوختگی‌ها و کشته شدن‌ها را می‌خواهد در چهره آب هم نشان دهد. آب دجله و فرات از نظرش می‌گذرد که آلوده شده است به مواد شیمیایی، به خون. آب که ماده‌ای بدون بو و بدون رنگ است، اینجا بوی تاریخ سوخته‌ای می‌دهد و رنگ ارغوانی به خود گرفته است. این آب نشان از فاجعه‌ای می‌دهد.

ئا ئه‌م دیج‌له و فوراته چین / ئه‌گه‌ر ئاون / ئاو بی‌رهن‌گه و که‌چی ئه‌وان هه‌ر به‌رده‌وام / ئه‌رخه‌وانین / ئاو بی‌تامه و که‌چی ئه‌وان هه‌ر به‌رده‌وام / تامی میژوویه کی سوتتاو ئه‌دن / ئاو بی‌بوئه

۲- عبدالله گوران، پیشوای شعر نوین کردی سورانی.

۷- شاعر و عارف نامی کرد متوفی ۱۲۹۹ هـ.ق سید عبدالرحیم ملا سعید معدومی تاوگزی.

و که چی شهوان هه‌ر به‌رده‌وام/ بۆنی قژی/ کچ و کوره کوژراوه‌کانی ئیمه‌یان لی‌دی (بی‌کس)،  
(۱۵۳:۱۳۹۴).

\* ترجمه: این دجله و فرات چه هستند؟! اگر آب‌اند/ آب بی‌رنگ است/ اما چرا رنگ ارغوانی دارند/  
آب مزه‌ای که ندارد/ اما چرا مزه تاریخ سوخته، از این آب‌ها حس می‌شود/ آب که بویی هم ندارد/ اما  
چرا این آب‌ها، بوی زلف‌های سوخته دختر و پسر ما را با خود دارد (L بی‌کس، ۱۵۳:۱۳۹۴).

تصویری دیگر از آب، آب سوخته است.

ژه که ناوی ناو به‌رمیلش/ وهختی که پاسه‌وان ته‌رۆیشته/ ته‌ویش ته‌یوت: / نای که به‌ختیکی  
ره‌شم بوو/ نه گه‌نم و جۆیه‌ک خواردمیوه و / نه چوومه ناو دوو په‌رداخ‌ی عاشقه‌وه و / من  
شه‌رمه‌زاری ته‌م عه‌بده فه‌قیرانه‌م / دوا‌ی سه‌وتانه‌م ته‌مخۆنه‌وه (بی‌کس، ۸۳:۱۳۹۴). آب گرم درون  
تانکر/ از پس مرور پاسبان می‌گفت: / آه چه بخت شومی بود مرا/ نه مرغزاران‌ام برمکیدند و / نه درون  
گیلاس عاشقان گشتم و / نه برف‌ها از من سراغی گرفتند/ من شرمسار این بندگان درمانده‌ام/ کز  
پس سوختن‌ام/ که مرا بیاشامند (کریم مجاور، ۸۳:۲۰۰۴).

### ۳-۵-۱-۲- باد

باد از عناصری طبیعی است که به کرات در شعر بی‌کس به انحاء مختلف و سمبل‌های متفاوتی  
ظاهر می‌شود. له‌وی بای سه‌حرا هه‌لی‌کرد/ له گۆریچه‌ی منداله‌وه/ وه‌کوو تۆوی گۆلی دهم با/ با  
برژانگ و / با خه‌نینه‌وه‌ی گریان و / با تاله مووی قژی هینا و / له سینه‌مدا گیرسانه‌وه/ ورد ورد له  
ناو دهنگما پروان/ ته‌ی نابین و هختی شیعر ته‌خوینمه‌وه/ جار به جار/ که ته‌کوخم یا خود هه‌ناسه‌م  
سوار ته‌بی/ وه‌ک قه‌له‌مه‌مکه‌م پی‌م ته‌لی/ له به‌ر عومر و یان جگه‌ره/ سه‌هۆلاو و سه‌رما نییه که  
وام لی دی/ ته‌وه په‌نجه‌ی خرینۆک و / ته‌وه بیلبیله‌ی بزین و / ته‌وه کۆلم و ته‌وه سه‌ری بووکه  
شوشه و / ته‌وه نوقل و ته‌وه مه‌ساسه‌ی ته‌وانه/ له‌به‌ر بینم ته‌گیرین و / ته‌یانه‌وی بیینه‌وه‌ی (بی‌کس)،  
(۵۵:۱۳۹۴).

باد بیابان وزیدن گرفت و / چنان چون گرده گل‌های مسیر باد/ برآورد از گور کودکان/ مژگان را  
و / گریه و لبخند را/ پرّه‌ی گوش را و / تار گیسوان را/ فرود آورد بر سینه من/ تا که آرام آرام درون  
آوای من، سر برداشتند/ و اینک هنگام شعرخوانی/ در جای جای آن که می‌سرفم و به شماره می‌افتند/  
نفس‌های من/ از پیری و سرما و سیگار نیست/ آن سان که خامه من می‌گوید/ این دستان لطیف و  
نی‌نی بی‌تاب و / رخساره عروسک‌های بلورین و / نقل و نبات آن‌هاست/ که می‌گیرند راه نفس را و /  
آهنگ برآمدن دارند! / (کریم مجاور، ۷۵:۲۰۰۴).

از دیگر تصاویر و صفت‌هایی که بی‌کس به باد نسبت داده، می‌توان به باد جاسوس، باد گندیده،  
باد خفه شده، باد سبز، باد سنگدل و... اشاره کرد که هر یک نمادی از یک وضعیت می‌باشند.

## ۶-۱-۲- فصول و گردش ایام

### ۶-۱-۲- شب

شب در شعر بی‌کس نمادی از ظلم و خفقان است؛ وی شب‌هایی را به تصویر کشیده است که زن و بچه‌های انفال<sup>۸</sup> شده را در بیابان‌ها رها کرده‌اند و بی‌رمق و بی‌آب و غذا، سگ‌های آدم‌خوار به جانشان افتاده‌اند و با مرگ هر کدامشان، سگ‌ها سریع در آن شب‌های تنهایی دور و برش را می‌گیرند. که شه و داهات/ سه‌گه‌لی ره‌ش/ یه‌ک له دوا‌ی یه‌ک/ چون شه‌مانخوات/ چهند زه‌لیله شه‌مه‌قه‌ی من (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

\* شب‌هنگام/ سگ‌های سیاه/ یکی بعد از دیگری/ چگونه ما را می‌خورند/ این حق من چقدر بیچاره شده (ز بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

### ۶-۱-۲- فصل‌ها

از جلوه‌های عناصر طبیعت اشاره به فصل‌هاست. از میان فصل‌ها بی‌کس بیشتر از پاییز و زمستان استفاده کرده است و فصل‌ها را نمادهای متفاوتی بخشیده‌است.

که گه‌پرای به شوین پاییزدا/ مه‌چؤ بو هیچ شوینیکی تر/ دلم نه‌بی/ گه‌گه‌پرای به شوین له‌هاردا/ بو ههر شوینتی نه‌چی بچؤ/ دلم نه‌بی (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۰۰).

\* آن زمان که دنبال پاییز می‌گردی/ هیچ جا نرو/ جز دل من/ گر دنبال بهار بودی/ برو هر جایی که خواهی/ جز دل من (G بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۰۰).

### ۶-۱-۳- نمود حیوانات و جانداران

توجه به گونه‌های جانوری از منظر بوم‌گرایی حائز اهمیت است. شاعر در نام‌گذاری کتاب‌هایش از نام حیوانات و جانداران استفاده کرده است. به عنوان نمونه اسامی بعضی از کتاب‌هایش ذکر می‌شود. دره پروانه‌ها (ده‌ریه‌ندی په‌پوله)؛ رودخانه و باتلاق (زین و زنه)؛ اسبی از گلبرگ شقایق (نه‌سپیک له‌په‌ری گولاله)؛ یادداشت یک کبک سیاه پوش (یاداشتی ماکه‌ویکی ره‌ش پوش)؛ آهو (ناسک)؛ لاشخور (دال).

بی‌کس در گفت‌وگویی که بین کبک و آهو روی می‌دهد، تصویری از تخریب و نابود کردن گونه‌های حیوانی توسط انسان را به نمایش می‌گذارد.

ناسکیک به ماکه‌ویکی وت؛ بیوره لییم، به نه‌نقه‌ست نه‌بوو که دوینج/ له سه‌ره ریی هاتوچؤدا/ پییم نا به باره‌که‌ویکی/ بچکولانه‌ی تودا کوشتم! کویراییم دایه... نه‌مینی لییم

<sup>۸</sup> - اصطلاح الانفال به معنی غنایم جنگی است و نام هشتمین سوره قرآن است که به دنبال اولین جهاد پیامبر (ص) علیه غیرمسلمانان بر او نازل شد. در سال ۱۹۸۸ این لغت توسط دولت وقت عراق برای عملیاتی که عمدتاً گردهای مسلمان ساکن در آن جغرافیا را هدف قرار می‌داد، انتخاب شد. این لغت اسلامی به این دلیل انتخاب شد تا به این عملیات مشروعیت ببخشد (هردی، ۲۰۰۹: ۲۱).

بیووره/ کهویش وتی: / من دلنیام تو به نه نقه‌ست نعت کوشتووه/ گهر "سهر" خوش بیّت/ باره کهو  
 هر نه بیتهوه! گوئ مه‌ده‌ری! / له لم ساته‌دا/ له لاشانی به‌ردیکه‌وه/ لووله‌یه ک هاته دهره‌وه و/ پیاوی  
 ته‌قه‌ی له هه‌ردوو کرد/ ناسک و ما‌که‌و/ به‌سه‌ر یه کدا لار بوونه‌وه (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۲۵۶).

\* آهو به کبک ماده گفت/ مرا ببخش، عمدی نبود/ دیروز سر راه برگشت/ جوجهات را زیر گرفتم/  
 ندیدمش مرا ببخش/ کبک ماده: / مطمئنم عمدی در کارت نبوده/ اگر خود زنده بمانیم/ جوجه‌های  
 دیگری را می‌آوریم/ در آن هنگام/ از سوراخ صخره سنگی/ نوک تفنگی دیده شد/ مردی هر دو را  
 نشانه گرفته بود/ کبک و آهو/ هر دو روی هم افتادند (E بی‌کس، ۱۳۹۴: ۲۵۶).

بی‌کس از نابودی گونه‌های جانوری به دست انسان نگران است. زمانی که تعادل و تعامل طبیعی  
 بین گونه‌های جانوری در طبیعت برقرار است، انسان این تعادل را برهم می‌زند و نسل گونه‌های  
 جانوری را نابود می‌کند. بو کۆمه‌ل/ له ناژهل و له بالدار/ لیتقه‌وماوی دارستانی/ هه‌رچی بالنده  
 و ناژهل کۆبوونه‌وه/ هه‌ر یه کهو دیاری دهستی خۆی بو هینابوون/ رپۆی هات و ده‌سه‌که‌نه‌یه‌ک/  
 له تووکی کلکی خۆی دانا/ نه‌سپیک هه‌ندی له یالی خۆی/ کرمی ئاوریشم ده‌سری له ئاوریشم/  
 سمۆره‌یه‌ک پینج شه‌ش گوژی/ کۆتریکی په‌ر له پیش هات/ جووتی گۆره‌وی هینا بوو /  
 مارپک له کۆنه کراسی کاژه‌کانی/ دوو سی کراس/ چه‌ند مریشکی هه‌موو به یه کهوه هاتن/  
 بیست سی هیلکه و پرئسکه‌یه‌ک/ په‌ریان بو سه‌رین هینابوو/ شینه شاهویه‌ک له په‌ری  
 ره‌نگاوه‌نگی/ مل پیچیکوو/ بولبولیکیش/ کاسیتیکی له گۆرانیه تازه‌کانی/ خۆی هینابوو/  
 هیشتا هه‌ر کۆبوونه‌وه بوو/ له پرئیکا مروفتیکی ریشدار هات و/ دوو ده‌سترپۆی بازنه‌یی لی کردن  
 و/ له دوایشدا خوین و بیده‌نگی/ تیکهل بوون (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

\* برای جمعی/ از حیوان و پرنده بیچاره و/ بدآورده/ در جنگلی پرندگان و حیوانات/ گرد هم  
 آمده‌بودند/ با سوغاتی/ روباه آمد و موهای دم خود را تقدیم نمود/ اسبی مقداری از یال خود را آورد/  
 کرم ابریشم، دستمالی از ابریشم/ سنجاب، پنج شش عدد گردو/ کبوتری با پرهای رنگارنگش/ یک  
 جفت جوراب آورده بود/ ماری از کهنه پوسته‌اش/ دو سه عدد پیراهن و/ مرغانی چند همه با هم/ بیست  
 سی عدد تخم مرغ و بقچه‌ای کوچک پر از پر/ برای ساخت بالشی/ عقابی از پرهای رنگارنگش  
 گردنبندی/ بلبلی هم/ کاستی از آوازهای خوش الحانش/ گردهمایی همچنان ادامه داشت/ در یک  
 لحظه/ مردی با ریش بلندی/ همه را به گلوله بست/ و بعد از آن خون و سکوت هم جا را فراگرفت (G  
 بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

بی‌کس در شعری از فعالان محیط زیست هم انتقاد می‌کند او از تبعیضی که برای وطنش قائل  
 شده‌اند نگران است. هر دری را می‌کوبد که آزار خاک و مردمش را به گوش دنیا برساند و دادخواهی  
 نماید؛ اما همه درها بسته هستند حتی کسانی که طرفدار گونه‌های گیاهی و جانوری هستند را مخاطب

قرار می‌دهد، که مگر حیوانات اینجا با بقیه حیوانات دنیا فرق دارند که حتی در لیست حیوانات دنیا نوشته نشده‌اند و برای نابودی این‌ها هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهید.

دەرگا داخراوه‌کان/ عومریکی دوور و دريژره/ دريژر ديريژ هيندهی پرچی/ سپی داپيره‌کهی ميژروم/ لهم لاو... لهو لا/ من له وهخت و له ناوهختا/ له دهروازهی ئەم جيهانه هه‌موويم دا/ له دەرگای سوور/ له دەرگای سهوز/ دەرگای سپی/ له پهنجهره‌ی کۆنگره‌ی شين/ کۆنگره‌ی مۆرا/ ليئمان ليئمان/ برينيکی شاخه‌وان بووم/ برينيکی داره‌وان بووم/ به ديواری گۆيزانياندا هه‌لئه‌زمانا/ له‌سه‌ر ديواروه به مشت/ به هه‌ردوو مشت/ هه‌ر بيليله و هه‌ر گليته‌ی هه‌لکۆلراوی/ شار و گووند بوو بۆم هه‌لپشتن/ وه‌ک درووشمی له‌سه‌ر سه‌رم/ پيستی سووتاری کون کونی/ کيلگه و مندالان و گولی/ ئەم ولاته هه‌لقرچاوه‌م بۆ هه‌لکردن/ قيژهم پروا/ بوو به دارستانی ئازارا/ خوئيم به‌ستی، بوو به زريباری دنیا/ به‌ردی لاری/ که‌وته قسه و هاته سه‌ر ری/ هه‌نگاوی نا/ ورده ورده/ بۆ کرپوزم گه‌يبه‌ لووتی/ مانگی ده‌سکرد و نزيک خوا/ که‌چی ئەو سايش/ درزی نه‌که‌وته دهروازه و/ درزی نه‌که‌وته پهنجهره و/ ئای لهم دنیا سۆزانييه!/ به لای ئیسکی گر گرتووما چهند تيه‌ری و/ به تهنافی قه‌ناره‌مدا دهرينکه‌ی خویشی هه‌لئه‌خست/ ئای لهم دنیا سۆزانييه/ تا کۆمه‌له‌ی دۆستی ئاژەل/ مافی حیوان/ تا ئەوانيش له کۆنگره و له‌سه‌ر لیسته‌ی/ هه‌په‌هه‌پ و مه‌مه‌ر و زیکه‌زیکي ناو خۆياندا/ هه‌قی سه‌گ و هه‌قی مشک و/ هه‌قی پشيله و ئاژەلی کوردستانیان/ ناو نووس نه‌کرد/ تا ئەوانيش باسیان نه‌کرد (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۵۶).

\* دره‌های بسته/ عمری است دراز/ دراز دراز/ دراز تر از زلف سفید تاریخم/ از این طرف و آن طرف/ من ناگهان، من سر وقت/ همه‌ دروازه‌های این جهان را کوبیده‌ام/ دره‌های سبز، دره‌های سرخ/ در سفید/ کوبیده‌ام، پنجره‌های کنگره‌ آبی را/ زخمی کوهنورد بودم/ زخمی که از درختان بالا می‌رود/ از دیوار تیغشان هم بالا رفتم/ بالای دیوار با مشت/ با هر دو مشت/ من بیدارشان می‌کردم/ من حقه بیرون ریخته چشم شهر و/ چشم روستاهایم را هم عرضه کردم/ چون شعاری روی سرم/ پوست سوخته بچه‌ها/ پوست سوراخ سوراخ شده/ و پژمرده گل‌های این دیار را/ برافراشتم/ فریادهایم سبز شدند/ و جنگل پر پستی از آزار شدند/ خونم لخته/ و زریباری را تشکیل داد/ سنگ‌های اطراف راه به حرف آمدند و/ سر راه قدم زنان... آرام آرام بوی جسم سوخته‌ من/ تا گرات دیگر رفت و نزد خدا/ اما هنوز/ نه شکافی بر دروازه/ نه شکافی بر پنجره‌ بشردوستان/ آه از دست این دنیای منفعت دوست/ تا چند از نزدیکی این/ استخوان‌های سوخته‌ام رد می‌شود/ شلوارش را آویزان طناب اعدام نکرد/ آه از دست این دنیای خراب شده/ حتی مدافعین حقوق حیوانات هم/ در لیست خود/ حق سگ و حق گربه/ حق موش و حق حیوان کردستان را ندیدند/ نه حتی آن‌ها/ آن‌ها هم حرفی بر زبان نراندند (i بی‌کس، ۱۳۹۴: ۵۶).

حجم جانداران یافت شده در دیوان بی‌کس به قدری فراوان است که خود نیازمند یک تحقیق جداگانه می‌باشد. این جانداران بیشتر در حال گفت‌وگو با هم هستند و گاهی استفاده‌های نمادینی از آن‌ها شده است. برای نمونه، در این شعر که توصیف منظره و صحنهٔ تعامل گیاهان و جانوران با هم را نشان می‌دهد و یک پیام انسانی را هم از این طریق می‌رساند که عشق نمی‌میرد.

سووره گولئی / دوای کردنه‌وهی / دوای وه‌رینیش / ئەو هەر نەمرد / پەرەکانی یە که یە که له سەر زەمین / بوون به نیشانە بو ئەوین / بو به خشینی بوئیکی خوش / پەرپیکیان که‌وته سەر جینگه‌ی / هەنگە زەرەدیە کی نەخوش / پەرپیکی تریان بووه مافووری ژووری / شینە کرمیک / پەرپیکی تر بوو به پەردە / پەنجەرە ی ژووری نووستنی چۆله‌که‌یه ک / پەرپیکی تر بوو به چه‌تری / کراوادی سەر سەری بوئیک / یه کینکی تریان بووه به‌له‌می می‌شووله‌یه ک / له تەنکاوی جوگیه‌کدا / پەرپیکی تر بوو به رەفتە / ملی کوتره باریکه‌یه ک / پەرپیکی تریان بووه کراسی تا سەر ئەژنۆی / پەلکه گیاهه ک / پەرپیکی تریان له نیوان / دوو خرکه بەردی شەرکه‌ردا / ناچار بووه ناو بژیوان / یه کینکی تر بوو به پیالە / یه ک دلۆپ شه‌ونمی شه‌رمن / یه کینکی تر بوو به تارای / گەلا بوو کینک / دوو پەرپیشیان پیکه‌وه بوون / به جووتی گۆره‌وی نەرمی جووجه‌له‌یه ک / پەرپیکی تریان بووه کلادی مار میلکه‌یه ک / یه کینکی تر بوو به لیقه‌ی / سەر جینگه‌ی خالخالو که‌یه ک / له دواییشدا لاسکه‌که‌یشی / بوو به پردی / نیوان دوو شاره میرووله (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

\* شقایقی بعد از شکوفا شدنش / بعد از ریختن گلبرگش / هنوز نمرد / گلبرگ‌هایش یکی یکی روی زمین / نشانه‌ای شدند بر تارک عشق / برای نشر بوی خوش امید / گلبرگی بر سر راه زنبور عسلی آمد / و گلبرگی بر دهانهٔ سوراخ کرمی فرود آمد / گلبرگی دیگر پرده پنجرهٔ اتاق خواب گنجشکی شد / یکی دیگر چتر سر قورباغه‌ای / دیگری قایق پشه / در گذرگاه جویباری / گلبرگی دیگر مدالی بر گردن کبوتری / گلبرگی دیگر پیراهن دامن کوتاه سبزه‌ای / گلبرگی دیگر میانجی / بین دو سنگ آشوب‌گر / گلبرگی دیگر پیاله‌ای / برای شبنمی (B بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

بسامد واژه‌های محیط زیستی را در شعر ملاحظه فرمایید.

واژه‌ها	رنگ	گل و گیاه	زمین و	گونه‌های جانوری	خزان	بو	محیط زیستی	کل واژه‌ها
بسامد	۲	۲۰	۱۰	۱۵	۲	۳	۵۲	۱۶۸

#### ۴-۶-۱-۲- نمود گیاهان و درختان

از آنجا که شعر فرزند طبیعت است و عناصر طبیعت همچون گونه‌های گیاهی و جانوری در اشعار شاعران جلوه و نمود خاصی پیدا کرده است، این شاعران زمانی رویکرد توصیفی به عناصر طبیعت داشته‌اند؛ گاهی استعاری و گاهی سمبلیک. در تفکر اکولوژیکی، انسان‌ها نسبت به جانوران، درختان، کوه‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها و دیگر اعضای اجتماع زیستی تعهد دارند؛ بی‌کس زبان را برای حفاظت از محیط زیست و عشق آب و گل به خدمت می‌گیرد. کلمه را برای چه می‌خواهم اگر هم‌بستر خاک و آب نشود و بچه بنفشه نزاید.

من وشم بؤ چیه / شوو نه کا به گل / شوو نه کا به برده / مندالی په لکه گیا و وهنه‌وشه‌ی لی‌نه‌بی (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۶)

\* من واژه‌ها را برای چه می‌خواهم / با سنگ و گل هم‌بستری ننماید / تا که نوزاد بنفشه از او زاید (D، بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۶).

#### ۷-۱-۲- اکوفمینیسم

در بررسی نوع رابطه‌ی انسان با طبیعت به زیر شاخه‌ای با عنوان اکوفمینیسم برمی‌خوریم که نوع رابطه مرد با زن و طبیعت را تحلیل می‌نماید. در واقع «اکوفمینیسم پروژه‌ای سیاسی است که هدف آن بازبینی در رابطه مردان با طبیعت و نیز رابطه آن‌ها با زنان است. نقطه‌ی عزیمت آن نیز تأکید بر شباهت میان سلطه و ستم مردان بر طبیعت و بر زنان و نیز نزدیکی زنان با طبیعت است» (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۸). اکوفمینیسم یک جریان فکری- اجتماعی، یک جنبش سیاسی بود که از سال ۱۹۷۰ در غرب مطرح شده، و پا گرفت. جریان فکری که مهم‌ترین دغدغه آن آشکارسازی ریشه‌های مشترک سلطه بر زنان با غلبه بر طبیعت در جامعه صنعتی بود و سپس تلاش برای آزادسازی زنان، گروه‌های فرودست اجتماعی و طبیعت. ظلم به زن به عنوان نیمی از جامعه همگام با ظلم به طبیعت از نظر بی‌کس قابل تحمل نیست.

که گه‌لایه ک مرد... / حه‌رفیکم لی مرد / که کانیه ک مرد... / وشه‌یه کم مرد / که باخچه‌یه ک مرد... / رسته‌یه کم مرد / به‌لام ئه‌ی کیژی / ته‌من ده ساله‌ی / گوندی هله‌دن / وه‌ختی تو کوژرای / ده شی‌عرم مردن (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۷۸).

\* آن زمان که برگی افتاد... حرفی از کلماتم مُرد / آن زمان که چشمه‌ای مُرد... واژه‌ای از کلامم مُرد / آن زمان که باغچه‌ای مُرد... جمله‌ای از کلامم مُرد / اما ای دخترِ ده ساله‌ی هله‌دنی / زمانی که کشته شدی / ده شعر من کشته شدند (A بی‌کس، ۱۳۹۴: ۷۸).

پیوند ناگسستنی بین عناصر طبیعت و زن در این شعر به اوج می‌رسد.

نازداره کم هردووکیان بوو/ ژن و درهخت/ که پر ئه‌بوو له گه‌لای دار/ منی ئه‌کرد به بالنده  
و/ که پر ئه‌بوو له ئاوی پروون/ منی ئه‌کرد به گژوو گیای/ دم به بهزی بنی دهررون/ که لیل  
بووایه منی ئه‌کرد/ به ماسی کویری ئاویکی، مات و زه‌بون (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۳).

برگردان \* معشوقه من هردو بود/ زن و درخت/ آن زمان که پر از برگ درخت می‌شد/ من را پرنده‌ای  
می‌کرد/ آن زمان که پر از آب زلال می‌شد/ مرا گیاه و سبزه‌زار پر نشاط زیر بوته‌ها می‌کرد و/ وقتی  
که گل آلود می‌شد/ من ماهی کوری بودم در یک آب لجن‌زار پست و زبون (G بی‌کس، ۱۳۹۴: ۳۳).

مقایسه ستم بر طبیعت و ستم بر زن از دید شاعر در شعر زیر نشان دهنده میزان علاقه شاعر به  
محیط زیست و زن را به خوبی نمایان می‌کند. خسارت ناشی از تخریب یکی از گونه‌های گیاهی و  
گونه‌های جانوری بی‌شمار است؛ اما زمانی پای نابودی و بی‌ارزش کردن زن به میان می‌آید، خسارت  
آن دامن تمام دنیا را خواهد گرفت. با رفتن زن عشق از دنیا رخت برمی‌بندد.

بالی شاهویه کیان شکاند/ فرینیک له کیس ناسمان چوو/ چاوانی ناسکیکیان کویر کرد/  
ته‌ماشایه ک له کیس دهشت چوو/ ساچمه‌یه ک دای له گه‌رووی/ باره که‌وی/ گورانییه ک له  
کیس شاخ چوو/ گولیکیان خسته ژیر پنه/ بوژنیک له کیس بولبولیک چوو/ به‌لام وهختی ژنیکیان  
کوشت/ عه‌شقیک له کیس/ گشت دنیا چوو (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

برگردان \* بال‌های یک درنا را که شکستند/ آسمان پروازی کم داشت/ چشمان آهوپی را که  
گرفتند/ زیباترین نگاه را از سبزه‌زاری گرفتند/ گلوله‌ای گلوی کبکی را درید/ و کوهستان، زیباترین  
آوازش را از دست داد/ گلی را لگدمال کردند/ بلبل‌ی از خوش‌بوترین گل محروم شد/ اما آن زمان که  
زنی را می‌کشتند/ تمام دنیا عشقی را از دست داد (B بی‌کس، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

### ۸-۱-۲- جرم محیط زیستی، جنگ و عدالت زیست محیطی

عدالت زیست محیطی جنبشی است که در دهه هشتاد در ایالات متحده برای جلوگیری از  
مخاطرات زیست محیطی در کلیه سطوح کالبدی، اجتماعی و ساختاری با تأکید بر برابری قومی و  
نژادی ظهور کرد. «جنبش عدالت زیست محیطی برای به وجود آوردن یک رویه واحد و مسئولانه در  
قبال زمین و اقلیت‌های قومی و نژادی به‌وجود آمد و همچنین معتقد است منافع نسل‌های آینده در کنار  
منافع این نسل باید در نظر گرفته شود» (منعام، ۱۳۸۸: ۶۳).

از جمله مواردی که عدالت زیست محیطی را نقض می‌کند؛ وقوع جنگ است. جنگ به عنوان یک  
فاجعه (ذیل مبحث فاجعه نوشته‌ها در نقد بوم‌گرایی) یکی از مخرب‌ترین عوامل دخالت انسان در طبیعت  
و از جمله مواقعی است که انسان‌ها خودخواهانه و یا آرمان‌گرایانه در پی پیروزی خود هستند و به تنها  
چیزی که نمی‌اندیشند، محیط زیست و همه موجودات ریز و درشتی است که حیاتشان در معرض آسیب  
و خطر قرار می‌گیرد. حمله به محیط زیست و منابع طبیعی جدای از نابودی آن‌ها، تأثیرات مخربی بر



انسان‌ها دارد و در نهایت منجر به نابودیشان می‌شود؛ متأسفانه با وجود حمایت متعدد از محیط زیست در اسناد گوناگون، محیط زیست همچنان قربانی خاموش جنگ‌ها می‌باشد. تلفات جنگی، امروزه فراتر از رنج‌های بشری، آوارگی، تخریب منازل و نابودی انسان در یک نسل، استفاده خطرناک سلاح‌های شیمیایی برای اکوسیستم‌های طبیعی مثل خاک و آب و هوا می‌باشند و برای نسل‌های بعدی آثار خطرناکی به جای می‌گذارند. حقوق زیست‌محیطی، همچون حق دسترسی به آب سالم، غذای سالم، سرپناه، بهداشت و... که همگی بخشی از حق حیات را تشکیل می‌دهند. می‌توانند در زمان جنگ و حتی تا مدت‌های مدیدی نادیده گرفته شوند.

به گواهی تاریخ، جنگ‌ها جدای از نابودی انسان‌ها، باعث تخریب کلی محیط زیست نیز شده‌است. طرفین جنگ، گاه برای نشان دادن پیروزی در نبرد و گاه به عنوان وسیله‌ای تنبیهی علیه رقیب از تخریب محیط زیست ابایی نداشته‌اند. با پیشرفت علم و فن‌آوری‌های جنگی تأثیرات آن‌ها بر محیط زیست شدیدتر و مخرب‌تر شده است. در جهانی که هنوز میلیون‌ها نفر در فقر و گرسنگی به سر می‌برند و کودکانی که در اقصا نقاط جهان از سوء‌تغذیه و بیماری جان می‌سپارند، در جهانی که شرایط بد آب و هوایی روز به روز زندگی را بر این کرهٔ خاکی سخت و سخت‌تر می‌کند؛ هنوز بعضی از کشورها با هزینه‌ای چند میلیارد دلاری اقدام به ساخت سلاح‌های کشتار جمعی و یا توسعهٔ انبارهای استراتژیک خود می‌کنند و این در برهه‌ای از تاریخ بشر اتفاق می‌افتد که داعیهٔ «حقوق بشر» گوش همگان را کر کرده است.

از آنجایی که استفاده از گاز خردل در جنگ ایران و عراق از جمله مهم‌ترین تهدیدات جنگی یک قرن اخیر علیه انسان، خاک، گیاه و حیوان بوده است و تأثیر مواد آلوده‌کننده بر محیط زیست و اثرات آن بر گونه‌های گیاهی و جانوری مشهود است؛ صدای رسای شاعری همچون شیرکو بی‌کس در این مورد قابل تأمل است؛ به صورتی که بعد از رخداد حلبچه و انفال این سایهٔ شوم و این تصاویر دردناک، همیشه در خودآگاه و ناخودآگاه شاعر بوده، و در آثارش به بهترین نحو تجلی یافته‌است. وی همهٔ پدیده‌ها را به کمک می‌طلبد که عمق فاجعه را نشان دهد. حجم این مباحث در یکی دو کتاب خلاصه نمی‌شود، بلکه مثل مَه‌ری بر تارکِ همهٔ آثار شاعر نمایان است. ذیل مبحث فاجعه نوشت‌ها می‌توان به تصویری از بمباران شیمیایی حلبچه در شعری از بی‌کس که ناظر بر بی‌عدالتی‌های محیط زیستی است، اشاره کرد.

ده‌قیقه‌یه‌ک، نیو ده‌قیقه، چند چرک‌یه‌ک / بهر له یانزه / ناسمان وه‌ک گیانی مه‌وله‌وی ساف  
و پروون بوو / وه‌ک نه‌سپه‌که‌ی نه‌حمده موختار / له بژوینی شاره‌زوردا / جوانووی به‌هار به کورژن  
بوو / گردی گولان / گول نه‌سستیره شه‌می شیعی / نه‌دا له قز / وه‌کوو گوزان / ده‌قیقه‌یه‌ک، نیو

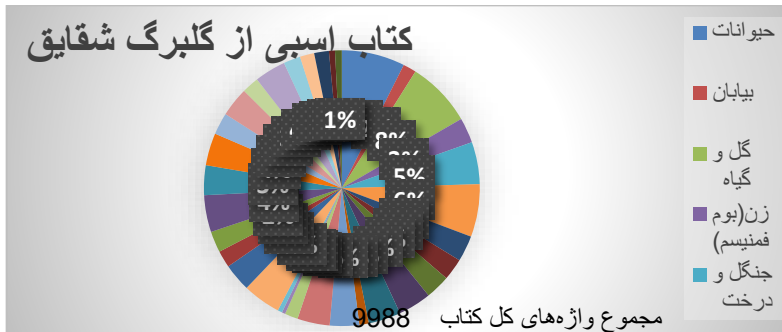
ده‌دقیقه، چند چرک‌یه‌ک / بهر له یانزه / له ژیر بنمیچی ژووریککی بی هه‌ناوی هه‌له‌بجهدا / خیزانی بوون، دایکه و باوکه و زه‌نه‌قوته / چند چرک‌یه‌ک بهر له یانزه / دایک بی‌شکه‌ی رائه‌ژاند و / ساوا بزیه‌ک ئه‌یگرت و / باوک گوئی له کاسیتی ئه‌گرت و / پال که‌وتبوو / بوو به یانزه / گرمه یه‌ک و دووان و سیان / دوو که‌لئیک وه‌کوو دلی کوری "عوجه" / هه‌وا مردوو / ناسمان مردوو / به‌هار مردوو / دایکه و باوکه و زه‌نه‌قوته / له یانزه‌دا / له ژیر بنمیچی ژووریککی بی هه‌ناوی هه‌له‌بجهدا / بوون به سئ به‌رده په‌یکه‌ری / باوه‌ش کردوو به یه‌کترا / له دوا‌ی یانزه / شار کو‌تریککی خنکاو بوو، ملی له ژیر باله‌کانیا / نه گمهی ئه‌و، نه جریوه یه‌ک نه جووکه / نه چرپه‌یه‌ک / نه زیقه‌یه‌ک / نه ماه یه‌ک، نه هه‌ناسه (بی‌کس، ۱۳۹۴: ۷).

برگردان: \* دقیقه‌ای نیم دقیقه / چند ثانیه‌ای قبل از یازده / زیر سقف اتاق نیمه‌جانی در حلبچه / خانواری / پدر، مادر و نوزادی / چند ثانیه‌ای قبل از یازده / مادر مشغول گهواره / نوزاد لبخندی بر لب و / پدر کاستی گوش می‌داد / لم داده بود / ساعت یازده / صدایی مهیب دو و سه / دودی چون قلب پسر عوجه آمد / هوا مُرد و / آسمان هم / بهار مُرد و / پدر، مادر و نوزاد هم / ساعت یازده / زیرسقف نیمه‌جان اتاقتی در حلبچه / سه مجسمه‌ای شدند / همدیگر را بغل کرده / بعد از یازده / شهر کبوتری خفه، که گردنش زیر بال‌های رنگینش خم شده بود / نه صدایی نه نفسی / سکوت مرگ‌آوری بود (G بی‌کس، ۱۳۹۴: ۷).

بی‌کس در جواب اینکه جنگ چه تأثیری بر شعر شما گذاشته است؛ می‌گوید: «روند تأثیر‌گذاری این اتفاق برای هر شاعری متفاوت است و بستگی به شخصیت شاعر و تأثیرپذیری و درگیر بودنش با جنگ دارد. از دوران کودکی با سرودهایی که پدرم می‌خواند در ارتباط بودم. ۲۵ ساله بودم که در جنگ شرکت کردم و شش سال از عمرم را در جنگ گذراندم. از نزدیک روستاهای بمباران شده، و شهید و قربانی و... را دیده‌ام. از آنجا که هر شاعری خواسته یا ناخواسته از اتفاقات پیرامونش تأثیر می‌گیرد، من هم تلاش کرده‌ام با دوربین شعر خودم از جنگ عکس بگیرم. من شعرهای زیادی درباره جنگ سروده‌ام (شیری، ۱۳۸۰: ۸).

### ۳- یافته تحقیق

بسامد واژه‌هایی با نمود محیط زیستی در کتاب (اسبی از گلبرگ شقایق) را در جدول زیر ملاحظه فرمایید.



### ۴- نتیجه

با مطالعه آثار فراوان شیرکو بی‌کس، پیوند شعر وی با محیط‌زیست و طبیعت را می‌توان به خوبی مشاهده نمود. بوم‌گرایی در اشعار بی‌کس به چندین شیوه نمود یافته است. بی‌کس جدای از توصیف طبیعت و زیبایی‌های آن، خود را عاشق آن معرفی می‌کند. او عاشق آب و خاک و وطن خود است؛ اما بی‌کس پا را از این‌ها فراتر گذاشته است و طبیعت و زیست‌بوم را هم‌پای انسان معرفی می‌کند و هر دو را عضوی از زیست کره می‌داند؛ تا جایی که از طریق مسایل محیط زیستی، درد و رنج و مسائل بشری را می‌نماید. شعر بی‌کس طبیعت را انسانی جلوه می‌دهد. در واقع بی‌کس از افراط‌گرایی اکولوژیکی پرهیز کرده، و در بیان مسائل محیط‌زیستی و انسانی تعادل را رعایت کرده است. شاعر معتقد است انسان‌ها حق ندارند خود را سرور جهان بدانند و محیط زیست را نادیده بگیرند. از آنجایی که رابطه شاعر با محیط زیست، عاشقانه و دوستانه است، نمی‌تواند طبیعت و دنیای انسانی و اجتماع را از هم جدا ببیند، به گونه‌ای که شعرش ضمن اینکه از پدیده‌های طبیعت به وفور استفاده می‌کند، حامل یک پیام انسانی هم هستند. طبیعت از طرفی دست‌مایه‌ی شاعرانگی بی‌کس است و از طرف دیگر برایش موضوعیت دارد. بی‌کس به انسان هم به عنوان یک زیست‌مند در کنار بقیه زیست‌مندان دیگر توجه دارد و سعی می‌کند برای بقیه زیست‌مندان تا حد انسان ارزش قائل شود؛ وجود مناظره بین زیست‌مندان در آثار وی ناشی از همین باور است.

نکته قابل ملاحظه این است که بی‌کس علاوه بر پرداختن به طبیعت و نمایش گونه‌های جانوری و گیاهی و وطن‌دوستی به دو بُعد دیگر مسائل محیط‌زیستی تحت عنوان اکوفمینیسم و عدالت محیط‌زیستی پرداخته است. در مبحث اکوفمینیسم شاعر، ستم بر زنان و بر طبیعت را از یک سنخ

دانسته و علیه کسانی که مرتکب این ستم می‌شوند، شوریده است. مبحث توجه به زنان و نمایاندن درد و رنج آن‌ها در یک جامعه بسته استبدادی و مردسالاری در کنار توجه به محیط‌زیست و طبیعت در شعر بی‌کس موج می‌زند. وی زن و طبیعت را هم‌سنخ دانسته، و به آن‌ها عشق می‌ورزد و ظلم بر آن‌ها را می‌بیند. وی به همه جنبه‌های زندگی زنان نظر انداخته است و همه رنج‌هایشان را می‌شناسد. از دید او ناعدالتی‌های زیست‌محیطی بیشتر ستمی است که بر اقلیت‌های قومی و نژادی و منطقه‌ای صورت گرفته است. بی‌کس در مبحث عدالت زیست‌محیطی بر نادیده گرفتن انسان و مظاهر طبیعت و محیط زیست در جنگ‌ها تأکید دارد و معتقد است که در نتیجه زیاده‌خواهی‌های انسان و رعایت نکردن عدالت، انسان‌ها هم به عنوان یک زیست‌مند همراه محیط زیست صدمات جبران‌ناپذیری می‌بینند. وی هنگام بازگو کردن بلایای جنگ و بمباران شیمیایی همیشه یکی از صدمه دیده‌ها را زیست‌بوم معرفی می‌کند.

## منابع

### الف. فارسی

- بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱)، «مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی»، جلد ششم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ۶.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۲)، «نقد بوم‌گرا، ادبیات و محیط زیست»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱.
- تباری، پیمان و همکاران (۱۳۹۵)، «انعکاس اوضاع اجتماعی در اشعار شیرکو بی‌کس»، پژوهشنامه ادبیات کردی، ش. ۳، صص. ۱-۱۴.
- حبیبی‌نسائی، مرتضی (۱۳۹۳)، «نقد بوم‌گرایانه باشیرو اثر محمود دولت‌آبادی»، ادبیات پارسی معاصر، ش. ۴، صص. ۹۵-۱۱۵.
- حیدری، بهمن؛ و همکاران (۱۴۰۱)، «بازنمایی استعاری جهان‌های زیر شمول در انگاره جهان‌های متن از منظر شناختی: مطالعه موردی اشعار شیرکو بی‌کس در سرآغاز کتاب کرسی»، پژوهشنامه ادبیات کردی، ش. ۱۳، صص. ۱-۱۲.
- رجبی، عرفان و نرجس قابلی (۱۳۹۵)، «خوانش بوم‌گرایانه گلستان سعدی»، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش متن‌پژوهی/ادبی، ج دوم، صص. ۲۴۷-۲۳۱.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، انواع ادبی، چاپ دهم، تهران: فردوس.
- شیری، فریاد (۱۳۸۰)، «مصاحبه فریاد شیری با شیرکو بی‌کس»، فرهنگ کردستان، ص. ۸.
- کریم مجاور، رضا (۲۰۰۴)، ترجمه «گورستان چراغان»، سلیمانیه: سردم ۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، از جنبش تا نظریه، تاریخ دوقرن فمینیسم، تهران: شیرازه.

منعام، محمدرضا (۱۳۸۸)، «عدالت زیست‌محیطی و برنامه‌ریزی شهری»، مجله شهرداری‌ها: ش. ۹۵، صص. ۶۳-۶۱.

ورزنده، امید و وفایی، مژگان (۱۳۹۴)، «انسان، مبارزه و عشق در شعر شیرکو بی‌کس و احمد شاملو»، فصلنامه زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد سنندج، پاییز ۱۳۹۴، ش. ۳۴، صص. ۱۸۳-۱۶۱.

همدی، چژمان (۲۰۰۹)، «زنان انفال، بازماندگان زن نسل‌کشی عملیات انفال در کردستان عراق»، ترجمه خوشنوا قاضی [www.Kurdipedia.orgq=20180530225215104122&lng=12](http://www.Kurdipedia.orgq=20180530225215104122&lng=12)

### ب. کردی

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، A، «ئاوئینه بچکۆله‌کان»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، B، «تهون تریفه‌ی هه‌لبه‌ست»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، C، «هفتا په‌نجه‌ره‌ی گه‌رۆک»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، D، «خاچ ومار»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، E، «خێراکه مردن خه‌ریکه بگات»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، F، «ده‌ره‌ندی په‌پووله»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، G، «زئی و زنه»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، H، «ژن و باران»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، I، «شایی شه‌هید»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، J، «گۆرستانی چراکان»، تهران: آریوحان ۱.

بی‌کس، شیرکو (۱۳۹۴)، K، «له‌گۆله‌وه هه‌تا سووتوو»، تهران: آریوحان ۱.

سلویه عیسی، هاوژین (۲۰۰۹)، «بنیاتی وینه‌ی هونه‌ری له شیعری شیرکو بیکه‌سدا»، سلیمانی:

سه‌رده‌م ۱.

### ج. انگلیسی

Black Geroge (1993) "Genocide in Iraq. Human rights watch". P.345  
isbn978-1.

Dreese, N. (2002) "Donelle Ecocriticism: Creating Self and Place in  
Environmental and American". New York: Peter Lang.

---

Glotfelty, Cheryll and Harold Fromm eds (1996) "*Introduction In The Ecocriticism Reader: Landmarks in Literary Ecology*". University of Georgia, xv- xxxvii.

White, R (2007a) "*Green criminology and the pursuit of social and Ecological Justice, in p, Beirne and n.south (eds)*" *Issues in green criminology* Devon: Willan publishing.